

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مطالبات اخلاقی و فزونی

مقام معظم رهبری مدظله العالی از حوزه علمیه

فهرست

- ۳ اهمیت تهذیب نفس در حوزه
- ۳ تکریم اساتید و مراجع تقلید
- ۴ تدوین شرح حال بزرگان و معرفی قله‌های تهذیب
- ۴ استخراج و انتشار مکتوبات اخلاقی بزرگان اهل تهذیب
- ۵ تأکید بر عرفان عملی به جای پرداختن به عرفان نظری
- ۵ تشویق طلاب ممتاز
- ۵ بیان برخی از مصادیق تهذیب در حوزه
- ۵ ۱. تهیه نظام جامع نماز شب
- ۵ ۲. انس با ادعیه و مناجات
- ۶ ۳. توصیه به نافله، قرآن و نماز اول وقت
- ۶ ۴. تقوا؛ نماز شب، دعا، زیارت، توسل و رفتن به مسجد جمکران
- ۶ ۵. پرکاری و خستگی ناپذیری
- ۷ ۶. تقدم تهذیب بر علم آموزی
- ۷ ۷. توصیه به رعایت زی طلبگی و تلاش برای حفظ قداست روحانیت
- ۷ ۸. ضرورت حفظ شور و نشاط جوانی
- ۸ ۹. حفظ ارزش‌ها؛ ارزش علم و جهاد
- ۸ ۱۰. زهد و ساده زیستی
- ۸ مراقبت از گرایش‌ها و احساسات انقلابی طلاب
- ۹ پرهیز از افراط و تفریط و درک پیچیدگی‌های شرائط زمانه
- ۹ کرسی‌های آزاد اندیشی (نهضت آزادفکری و آزاداندیشی)
- ۱۰ حضور فعال روحانیت در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی
- ۱۱ لزوم مطالعه آثار شهید مطهری در حوزه

اهمیت تهذیب نفس در حوزه

«مسأله دیگر در نظام رفتاری و اخلاقی حوزه‌ها، فیض بردن از معنویات است، تهذیب است؛ این خیلی مهم است. جوان امروز حوزه بیش از گذشته به مسأله‌ی تهذیب نیازمند است. کسانی که رشته‌های رفتارشناسی عمومی را مطالعه می‌کنند و کار می‌کنند، این را تأیید می‌کنند. امروز در همه‌ی دنیا اینجور است که وضع نظام مادی و فشار مادی و مادیت، جوان‌ها را بی‌حوصله می‌کند؛ جوان‌ها را افسرده می‌کند. در یک چنین وضعی، دستگیر جوان‌ها، توجه به معنویت و اخلاق است. علت اینکه می‌بینید عرفان‌های کاذب رشد پیدا می‌کند و یک عده‌ای طرفشان می‌روند، همین است؛ نیاز هست. جوان ما در حوزه‌ی علمیه - جوان طلبه؛ چه دختر، چه پسر - نیازمند تهذیب است»^۱

«عزیزان من! وقتش حالاست. از این فضای معنوی، موارث و یادگارهای معنوی‌ای که در این فضا انباشته است، استفاده کنید. مرحوم سید حسین رضوی، از همین آستان مقدسه و از علمای اوایل قرن چهاردهم است که از حالاتش نقل می‌کنند، مثلاً در قنوت نماز وتر، دعای «ابی حمزه» را از ابتدا تا انتها می‌خوانده است! چنین عابدان و زاهدانی را این حوزه تربیت کرده است. من از بزرگان حوزه خواهش می‌کنم، درس اخلاق و تهذیب را برای جوانان مستعد، روشن و نورانی - که در این حوزه فراوان هستند - جدی بگیرند»^۲

تکریم اساتید و مراجع تقلید

«مسأله بعدی، مسأله نظام رفتاری و اخلاقی حوزه‌هاست؛ که همین تحول - اگر تحولی انجام می‌گیرد - باید ناظر به این جهت هم باشد. چند تا سرفصل در این خصوص وجود دارد که من اینجا یادداشت کرده‌ام: تکریم اساتید؛ نظام رفتاری و اخلاقی ما در حوزه‌ها باید در این جهت حرکت کند. تکریم استاد، تکریم عناصر فاضل، بخصوص تکریم مراجع تقلید. هر کسی آسان به حد مراجع معظم تقلید نمی‌رسد؛ صلاحیت‌های زیادی لازم است. غالباً مراجع قله‌های علمی حوزه‌های علمیه محسوب می‌شوند. بنابراین احترام مراجع بایستی محفوظ باشد؛ باید تکریم شوند»^۳

«احترام به استاد هم یک مسأله است. یکی از سنت‌های رائج حوزه‌های علمیه، تواضع شاگرد در مقابل استاد بود؛ احترام به استاد. «آداب المتعلمین» می‌نوشتند، که متعلم در مقابل معلم چه وظائفی دارد و معلم چه حقوقی بر او دارد؛ همچنان که متقابلاً متعلم بر معلم حقوقی دارد. اینکه استاد بیاید بگوید و برود، نه؛ حرف شاگرد را می‌شنفتند، گوش می‌کردند. اینها از قدیم معمول بوده است. در همین زمان ما بعضی از بزرگان بودند، الان هم هستند؛ شاگرد بعد از درس، تا خانه‌ی استاد او را همراهی می‌کرد؛ بحث می‌کرد، صحبت می‌کرد، سؤال می‌کرد. گعده، گعده‌ی علمی؛ نشست، نشست تحقیقی و سؤال و جواب؛ اینها سنت‌های خوب

۱ - بیانات رهبری در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۲۹/۰۷/۱۳۸۹

۲ - بیانات مقام معظم رهبری در دیدار روحانیون و طلاب ایرانی و خارجی در صحن «مدرسه فیضیه قم»، ۱۶ آذر ۱۳۷۴

۳ - همان

حوزه‌ی ماست. دیگران می‌خواهند اینها را از ما یاد بگیرند، ما بیائیم اینها را تبدیل کنیم به روش‌های دیگران که منسوخ و کهنه است؟! پس این سنت‌ها باید باقی بماند و تقویت شود. تحول به معنای تغییر اینها نیست»^۱

تدوین شرح حال بزرگان و معرفی قله‌های تهذیب

«ما قله‌های تهذیب داریم. در همین قم، مرحوم حاج میرزا جواد آقای ملکی، مرحوم علامه‌ی طباطبائی، مرحوم آقای بهجت، مرحوم آقای بهاء‌الدینی (رضوان الله تعالی علیهم) قله‌های تهذیب در حوزه بودند. رفتار اینها، شناخت زندگی اینها، حرف‌های اینها، خودش یکی از شفاف‌بخش‌ترین چیزهائی است که می‌تواند انسان را آرام کند؛ به انسان آرامش بدهد، روشنائی بدهد، دل‌ها را نورانی کند. در نجف بزرگانی بودند؛ سلسله شاگردان مرحوم آخوند ملاحسینقلی تا مرحوم آقای قاضی و دیگران و دیگران؛ اینها برجستگانند. به نحله‌های فکری و عرفانی اینها هم کاری نداریم. در اینجا مسأله، مسأله نظری نیست. بعضی‌ها نحله‌های مختلفی هم داشتند. مرحوم سید مرتضی کشمیری (رضوان الله تعالی علیه) یکی از اساتید مرحوم حاج میرزا علی آقای قاضی است؛ اما نحله فکری اینها به کلی از هم متفاوت است. ایشان از داشتن یک کتابی بشدت منع می‌کند، ایشان به آن کتاب عشق می‌ورزد؛ منافاتی ندارد. همین بزرگانی که در مشهد بودند، مردمانی بودند که ما اینها را به تقوا و طهارت و پاکیزگی شناختیم؛ مرحوم حاج میرزا جواد آقای تهرانی، مرحوم حاج شیخ مجتبی و امثال ایشان؛ اینها هم همین جورند. عمده این است که این دل‌زنگار گرفته را یک زبان معنوی، یک سخن برخاسته از دل شفا بیخشد و این زنگار را برطرف کند. بنابراین ما اینجا بحث عرفان‌های نظری را نداریم»^۲

«فرض بفرمائید یکی از کارهائی که خیلی تأثیر دارد، بیان شرح حال بزرگان اهل تهذیب و اهل اخلاق است. درباره‌ی اینها کتاب بنویسید و همینها را بین طلبه‌ها پخش کنند...»^۳

«راهش اینهاست؛ یعنی وصل کردن به این منابع اخلاقی و معرفتی و اهل حال و اهل ذکر و اهل خشوع؛ والا درس حرفه‌ای اخلاق هیچ فایده‌ای ندارد. گفتن اخلاق اصلاً درس نیست، اخلاق یک صیروت است. باید استاد کاری کند که شاگرد صیروت اخلاقی پیدا کند. به نظر من این جزو کارهای لازم است. اینجوری باید طلبه‌ها را به مسأله اخلاقی کشاند»^۴

استخراج و انتشار مکتوبات اخلاقی بزرگان اهل تهذیب

«... یا همین مکتوباتی که از اینها باقی مانده منتشر شود. مثلاً مرحوم آقای قاضی مکتوباتی دارد که اینها مستقلاً چاپ نشده؛ توی یک شرح حالی - شرح حال هم خیلی شرح حال خوبی نیست - اینها آمده؛ اشعار مرحوم آقای قاضی هم آنجاست. ... ایشان توی شعرهاشان نصایحی دارند، مکتوباتی دارند، به خود آقای طباطبائی نامه دارند، به مرحوم حاج حسن الهی - اخوی آقای طباطبائی - نامه دارند به دامادشان مرحوم آقای شریفی، که پدر همین آقای شریفی رفیق شماهاست، که نمی‌دانم حالا قم است

۱ - بیانات رهبری در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۲۹/۰۷/۱۳۸۹

۲ - همان

۳ - در دیدار با اعضای شورای عالی حوزه، ۱۳۸۹

۴ - همان

یا زابل است، نامه دارند. خوب اینها واقعاً در بیاید، استخراج شود و یک گروهی بنشینند کار کنند. مرحوم آسید محمد حسن - پسر ایشان - که این کتاب را تنظیم کرده و خوب هم تنظیم نکرده، او فوت شد؛ اما پسر دیگر ایشان - آسید محمد علی - هست بروند او را پیدا کنند و این نوشته-ها را بگیرند. نوشته-های مرحوم بهاری هم همینطور. درس-های مرحوم حاج آقا حسین فاطمی هم همینطور. در همین قم یقیناً کسانی هستند که از ایشان یادگارهایی دارند، چیزهایی دارند؛ از اینها استفاده شود. آقای آسید ابراهیم خسروشاهی با مرحوم آقای فاطمی مرتبط و مانوس بود؛ احتمالاً ایشان یادداشت-هایی از مرحوم فاطمی در اختیار دارد»^۱

تأکید بر عرفان عملی به جای پرداختن به عرفان نظری

«عرفان نظری اصلاً در اینجا مورد نظر ما نیست و فایده ای هم ندارد. واقعاً عرفان نظری فایده ای ندارد... اما عرفان نظری هیچ کس را بالا نمی برد... آنچه که طلبه را بالا می برد، تزکیه می-کند و معراج طلبه می-شود، عرفان نظری نیست؛ اگر چه عرفان نظری هم ممکن است کمک-هایی بکند. باید این عرفان عملی را این حالت سلوک را توی طلبه راه انداخت»^۲

تشویق طلاب ممتاز

«به نظرم می-آید از جمله- چیزهایی که می-تواند طلبه- موجود را یک مقداری پاییند کند- حالا اینها راه-های میانی است، اصولی نیست- یکی-اش همین مسأله تشویق-هاست. یکی از برنامه-ها این باشد که طلبه-های ممتازی انتخاب شوند و اینها تشویق شوند. تشویق خیلی مؤثر است»^۳

بیان برخی از مصادیق تهذیب در حوزه

۱. تهیه نظام جامع نماز شب

«ما همّت می-کنیم، طلبه را اهل نماز شب کنیم؛ این خیلی کمک می کند. برنامه ریزی کنید که از میان پنجاه هزار طلبه حوزه قم - حالا با حذف یک عده خیلی پائین-ترها و یک عده خیلی پیرترها- اقلأً سی هزارتاشان هرشب نماز شب بخوانند اگر این شد، به نظر من از جهت اخلاقی راه می-افتد. بنابراین لازم است نظام جامع در همه این زمینه-ها تهیه شود»^۴.

۲. انس با ادعیه و مناجات

«طلبه باید با دعا، با ذکر و با مناجات انس پیدا کند. طلبه باید زندگی خود را یک زندگی دینی محض بکند. طلبه باید دل خود را پاک و صاف کند، تا وقتی در مقابل انوار معرفت و توفیقات الهی قرار گرفت، تاللاً پیدا کند؛ برادران! بدون اینها نمی شود. ما کسانی را داشتیم که از لحاظ علمی، مراتب بالایی هم داشتند و مغزشان قوی بود؛ اما دل و روحشان ضعیف و آسیب پذیر بود. وقتی این جا آن بنیه معنوی و دینی ساخته نشود، آن جا که پای مقام و امکانات مادی به میان می آید، انسان می لرزد؛ آن جا که

۱ - همان

۲ - همان

۳ - دیدار با اعضای جامعه مدرسین، ۸/۶/۸۹

۴ - سخنرانی در اجتماع طلاب و فضالای حوزه علمیه قم، ۰۱/۱۲/۱۳۷۰

پای فداکاری به میان می‌آید، انسان می‌لرزد و نمی‌تواند جلو برود؛ آن وقت چه طور می‌شود یک ملت و یک مجموعه را هدایت کرد؟ باید عمل کنیم، تا بتوانیم اثر بگذاریم...»^۱

۳. توصیه به نافله، قرآن و نماز اول وقت

«نافله بخوانید، قرآن بخوانید، نماز اول وقت بخوانید که این سه چیز برای طلبه واجب است. نمی‌خواهم بگویم که واجب شرعی است؛ واجب وظیفه‌ای و شغلی است. طلبه‌ای که با قرآن انس نداشته باشد، طلبه‌ای که اهل نافله نباشد، طلبه‌ای که نمازش را آخر وقت بگذارد، چیز مهمی کسر دارد»^۲

۴. تقوا؛ نماز شب، دعا، زیارت، توسل و رفتن به مسجد جمکران

«برادران عزیز! طلاب و فضالای جوان! این بنیه در جوانی شکل می‌گیرد. در جوانی خودتان را بسازید؛ شما روزگارهای مهم و حساسی را در پیش خواهید داشت. این کشور و این نظام و این نهضت عظیم اسلامی در سطح عالم، به شماها احتیاج خواهد داشت؛ از لحاظ معنوی باید خودتان را بسازید. البته نقشه، نقشه آسانی است؛ اما پیمودنش اراده می‌خواهد. نقشه، یعنی تقوا؛ تقوا، یعنی پرهیز از گناه؛ یعنی اتیان واجبات و ترک محرّمات؛ کار را با اخلاص انجام دادن و از ریا و فریب دور بودن. برخلاف آنچه که تصور می‌شود، این کارها در دوران جوانی بسیار آسان‌تر است؛ به سن ماها که برسید، کار مشکل‌تر خواهد شد. بنابراین، ارزش تدین، یکی از آن ارزش‌هاست؛ این ارزش بایستی رعایت شود. نماز شب خواندن، نافله خواندن، دعا خواندن، ذکر گفتن، متوجه خدا بودن، زیارت رفتن، توسل کردن و به مسجد جمکران رفتن، سازنده است؛ اینها شما را پولادین خواهد کرد. نمی‌شود یک حوزه‌ی ایدئال داشته باشیم، درحالی‌که این چیزها در طلابش نباشد»^۳

۵. پرکاری و خستگی ناپذیری

«طلبه جوان و روحانی، باید پرکار و پرتلاش باشد و از کار خسته نشود. اندکی احساس خستگی و میل به راحت‌طلبی، کار را خراب خواهد کرد؛ باید خستگی‌ناپذیر باشید... همه باید روحیه دنباله‌گیری و کنجکاوی داشته باشند. من به طلبه‌های جوان توصیه می‌کنم، دنبال کار را بگیرید و خسته نشوید. هر کاری که شروع می‌کنید، تا نهایت آن کار بروید و احساس کسالت و ملامت نکنید»^۴

۱ - همان

۲ - بیانات رهبری در مراسم عمامه گذاری، ۱۳۷۲/۱۰/۲۶

۳ - بیانات در آغاز درس خارج فقه ۱۳۷۰/۰۶/۳۱

۴ - ۱۳۶۶/۱۱/۱۲

۶. تقدم تهذيب بر علم آموزی

«من توصیه به خشوع و ذکر و تقوا و سعی برای تقرب الی‌الله را برای طلاب واجب‌تر می‌دانم تا توصیه به علم، که مایه اصلی کارشان علم است. اگر علم باشد، تقوا نباشد، این علم می‌شود بی‌فایده، گاهی هم مضر. عالمانی داشتیم - چه علم دینی، چه علم غیر دینی - که نه فقط از این علم بهره‌ای نبردند و بهره‌ای نرساندند، بلکه وزر و وبال شد. این روح معنویت در کالبد علم و عالم لازم است»^۱

۷. توصیه به رعایت زی طلبگی و تلاش برای حفظ قداست روحانیت

«یک چیز دیگری که در باب روحانیت شرط و لازم است که ما دقیقاً و جداً به آن توجه کنیم، مسأله‌ی حفظ قداست روحانی است. روحانیت دارای قداست است. مردم به من و شما که نگاه می‌کنند، به خاطر لباسمان، شأنمان و شغلمان، حساب خاصی برای ما باز می‌کنند و یک تقدسی قائلند. بعضی از گناهانی که خودشان می‌کنند، خیال می‌کنند ماها نمی‌کنیم؛ بعضی از کارهای خیری که خودشان انجام نمی‌دهند، خیال می‌کنند ما انجام می‌دهیم؛ خیال می‌کنند ماها دائم در حال ذکر الهی و توجه به پروردگار - که غالباً از آن غفلت می‌شود - هستیم؛ یک چنین تصوراتی درباره‌ی ما دارند. البته این تصورات را نباید تقویت کرد. امام سجاد (سلام‌الله علیه) در یکی از ادعیه‌ی صحیفه‌ی ثانیه‌ی سجادیه از خدای متعال شش چیز می‌خواهد، که یکی‌اش این است: «و لباً راجحاً»؛ باطنم از ظاهرم بهتر باشد. ماها در این زمینه گرفتاریم. باید باطنمان از ظاهرمان بهتر باشد. این قداست را چگونه حفظ کنیم؟ حفظ قداست با سلامت مالی، سلامت اخلاقی و حفظ زی طلبگی است. نمی‌گوییم عبا‌ی پاره به دشمنان بیندازیم؛ معنای زی طلبگی این نیست. معنایش این است که در دنیا طلبی مثل دنیا طلبان عمل نکنیم؛ هر چه هوس کردیم، بخواهیم. من قبلها روایتی دیدم که هر کس هر چه دلش خواست بپوشد، هر چه دلش خواست بخورد و هر مرکوبی که دلش خواست سوار شود، این شخص پیش خدای متعال ملعون است. این شأن پولدارها و پول پرستهاست. ما هم فلان چیز را هوس می‌کنیم، اما حالا پول نداریم، به مجردی که پول گیرمان آمد، فوراً می‌رویم آن را تهیه می‌کنیم؛ منتظریم که از این صد جزء اشرافی-گری، وقتی این یک جزئش فراهم شد، نود و نه جزء دیگر را هم در فرصت‌های دیگر همین‌طور بتدریج فراهم کنیم. این شأن طلبگی نیست. شأن طلبگی این است که انسان یک زی متوسطی همراه با قناعت، سلامت مالی و سادگی به طور نسبی برای خودش نگه دارد. سلامت اخلاقی، خیلی مهم است. آن وقت قداست حفظ خواهد شد»^۲

۸. ضرورت حفظ شور و نشاط جوانی

«طلبه باید روحیه جوانی را با همه خصوصیات جوانی حفظ کند ... این جوانی، نباید به پیری تبدیل شود. اگر جوان ما ظاهراً و سناً جوان، ولی روحیتاً پیر و بی‌نشاط و بی‌حوصله و بی‌ابتکار و ناامید باشد، بسیار چیز بدی است. طلبه باید منشأ امید و شور و نشاط و تحرک باشد»^۳

۱ - بیانات در جمع علما و روحانیون شیعه و سنی کرمانشاه، ۲۰/۰۷/۱۳۹۰

۲ - بیانات رهبری در جمع روحانیون استان سمنان، ۱۷/۰۸/۱۳۸۵

۳ - سخنرانی در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضایی حوزه‌ی علمیه قم، ۱۳۶۹/۱۱/۰۴

۹. حفظ ارزش‌ها؛ ارزش علم و جهاد

«یک مسئله، مسئله ارزش‌ها در حوزه است. طلاب باید ارزش‌هایی را به‌عنوان ارزش‌های ثابت و زوال‌ناپذیر همواره به‌یاد داشته باشند که از جمله آنها، ارزش علم و ارزش جهاد است. ارزش جهاد را دست کم نگیرید. طلبه‌ی جهادگر، طلبه‌ی تلاشگر، طلبه‌ی بسیجی، طلبه‌ای که آماده است تا در میدان‌های خطر حضور پیدا کند، این طلبه است که اگر با ابزار علم مجهز شد، آن‌وقت دنیایی در مقابل او دیگر تاب نمی‌آورد... نظام حوزه بایستی این ارزش‌ها را رشد بدهد و پیش بیاورد...»^۱

۱۰. زهد و ساده زیستی

«مسئله تهذیب اخلاق، مسئله ساده‌زیستی، مسئله اعراض از زخارف دنیا را بایستی در حوزه‌های علمیه جدی گرفت. این‌طور نباشد که طلبه به خاطر خانه‌اش - که دو خیابان تا محل درس فاصله دارد - به فکر ماشین شخصی بیفتد. ماشین چیست؟ از اول، بنای کار طلبگی بر عسرت و بی‌اعتنایی به زخارف دنیوی بود؛ اما حالا فوراً به فکر بیفتیم که یک ماشین شخصی و یک خانه‌ی کذایی داشته باشیم! البته باید حداقل معیشتی وجود داشته باشد؛ طوری که انسان ذهنش مشغول آن چیزها نباشد و بتواند درسش را راحت بخواند و کار لازم و مورد توقع را انجام بدهد؛ اما این‌طور نباشد که طلبگی هم به چیزی مثل بقیه کارهای دیگری که بعضی می‌کنند - دنبال تجملات و دنبال زخارف و امثال اینها رفتن - تبدیل شود. این عیب خیلی بزرگی است که باید بشدت از آن جلوگیری شود.»^۲

مراقبت از گرایش‌ها و احساسات انقلابی طلاب

«یک مسأله دیگر در زمینه نظام رفتاری و اخلاقی حوزه، مسأله گرایش‌ها و احساسات انقلابی در حوزه است. عزیزان من! فضای انقلابی در کشور دشمنان عنودی دارد، دشمنان کینه‌ورزی دارد. با حاکمیت فضای انقلابی در کشور مخالفند؛ می‌خواهند این فضا را بشکنند. شما دیدید در یک دوره‌ای شهادت را زیر سؤال بردند، جهاد را زیر سؤال بردند، شهید را زیر سؤال بردند، نظرات امام را زیر سؤال بردند، پیغمبران را زیر سؤال بردند؛ مسأله این نیست که فلان زیدی با این مفاهیم مخالف است؛ مسأله این است که این مخالفت از نظر دشمن باید در جامعه مطرح شود؛ فضا سازی شود و فضای انقلابی بشکند. در حوزه‌ی علمیه همه باید به این مسأله توجه کنند. در متن جامعه اینجور است، طبعاً در حوزه‌های علمیه هم اینجور است. می‌دانند که شمای روحانی فقط یک فرد نیستید؛ مستمع دارید، علاقه‌مند دارید؛ بنابراین در محیط پیرامون خودتان اثر می‌گذارید. می‌خواهند فضای انقلابی را بشکنند، روحانی انقلابی را منزوی کنند. تحقیر بسیج، تحقیر شهید، تحقیر شهادت، زیر سؤال بردن جهاد طولانی این مردم اگر خدای نکرده در گوشه و کنار حوزه به وجود بیاید، فاجعه است. بزرگان حوزه بایستی مواظب و مراقب باشند و مانع بشوند»^۳

۱ - سخنرانی در اجتماع طلاب و فضایی حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۳۷۰/۱۲/۰۱

۲ - بیانات در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۰/۰۶/۳۱

۳ - بیانات رهبری در دیدار طلاب، فضلاء و اساتید حوزه علمیه قم، ۲۹/۰۷/۱۳۸۹

پرهیز از افراط و تفریط و درک پیچیدگی‌های شرائط زمانه

«یک نکته هم خطاب به جوانان پرشور و انقلابی حوزه است، که متن حوزه غالباً همین جوان-های پرشور و طلاب انقلابی هستند. عزیزان من! آینده مال شماهاست، امید آینده‌ی کشور شماها هستی؛ باید خیلی مراقبت کنید. درست است که جوان طلبه‌ی انقلابی اهل عمل است، اهل فعالیت است، اهل تسویف و امروز به فردا انداختن کار نیست، اما باید مراقب باشد؛ مبدا حرکت انقلابی جوری باشد که بتوانند تهمت افراطی‌گری به او بزنند. از افراط و تفریط بایستی پرهیز کرد. جوان-های انقلابی بدانند؛ همان طور که کناره‌گیری و سکوت و بی‌تفاوتی ضربه می‌زند، زیاده‌روی هم ضربه می‌زند؛ مراقب باشید زیاده‌روی نشود. اگر آن چیزی که گزارش شده است که به بعضی از مقدسات حوزه، به بعضی از بزرگان حوزه، به بعضی از مراجع یک وقتی مثلاً اهانتی شده باشد، درست باشد، بدانید این قطعاً انحراف است، این خطاست. اقتضای انقلابی‌گری، اینها نیست. انقلابی باید بصیر باشد، باید بینا باشد، باید پیچیدگی‌های شرائط زمانه را درک کند. مسأله اینجور ساده نیست که یکی را رد کنیم، یکی را اثبات کنیم، یکی را قبول کنیم؛ اینجوری نمی‌شود. باید دقیق باشید، باید شور انقلابی را حفظ کنید، باید با مشکلات هم بسازید، باید از طعن و دق دیگران هم روگردان نشوید، اما باید خامی هم نکنید؛ مراقب باشید. مأیوس نشوید، در صحنه بمانید؛ اما دقت کنید و مواظب باشید رفتار بعضی از کسانی که به نظر شما جای اعتراض دارد، شما را عصبانی نکند، شما را از کوره در نبرد. رفتار منطقی و عقلانی یک چیز لازمی است. البته این را هم به همه توصیه کنیم که نیروهای انقلابی را متهم به افراطی‌گری نکنند؛ بعضی هم اینجوری دوست می‌دارند. عنصر انقلابی، جوان انقلابی، طلبه‌ی انقلابی، فاضل انقلابی، مدرس انقلابی در هر سطحی از سطوح را متهم کنند به افراطی‌گری؛ نه، این هم انحرافی است که به دست دشمن انجام می‌گیرد؛ واضح است. پس نه از آن طرف، نه از این طرف»^۱

کرسی‌های آزاد اندیشی (نهضت آزادفکری و آزاداندیشی)

«یکی از موضوعاتی که حتماً لازم است من عرض بکنم، مسأله آزاداندیشی است که در بعضی از صحبت‌های آقایان بود. چرا این کرسی‌های آزاداندیشی در قم تشکیل نمی‌شود؟ چه اشکالی دارد؟ حوزه‌های علمیه ما، همیشه مرکز و مهد آزاداندیشی علمی بوده و هنوز که هنوز است، ما افتخار می‌کنیم و نظیرش را نداریم در حوزه‌های درسی غیر حوزه علمیه، که شاگرد پای درس به استاد اشکال کند، پرخاش کند و استاد از او استشمام دشمنی و غرض و مرض نکند. طلبه آزادانه اشکال می‌کند، هیچ ملاحظه‌ی استاد را هم نمی‌کند. استاد هم مطلقاً از این رنج نمی‌برد و ناراحت نمی‌شود؛ این خیلی چیز مهمی است. خوب، این مال حوزه ماست. در حوزه‌های علمیه ما، بزرگانی وجود داشته‌اند که هم در فقه سلیقه‌ها و مناهج گوناگونی را می‌پیمودند، هم در برخی از مسائل اصولی-تر؛ فیلسوف بود، عارف بود، فقیه بود، اینها در کنار هم زندگی می‌کردند، با هم کار می‌کردند؛ سابقه حوزه‌های ما اینجوری است. یکی، یک مبنای علمی داشت، دیگری آن را قبول نداشت. اگر شرح حال بزرگان و علما را نگاه کنید، از این قبیل مشاهده می‌کنید...

یک نفری نظر فقهی می‌دهد، نظر شادای است. خیلی خوب، قبول ندارید، کرسی نظریه پردازی تشکیل بشود و مباحثه بشود؛ پنج نفر، ده نفر فاضل بیابند این نظر فقهی را رد کنند با استدلال؛ اشکال ندارد. نظر فلسفی ای داده می‌شود همینجور، نظر

معارفی و کلامی ای داده می‌شود همین‌جور. مسأله تکفیر و رمی و این حرفها را بایستی از حوزه وراثت؛ آن هم در داخل حوزه نسبت به علمای برجسته و بزرگ؛ یک گوشه ای از حرفشان با نظر بنده حقیر مخالف است، بنده دهن باز کنم رمی کنم؛ نمی‌شود اینجوری، این را باید از خود داخل طلبه‌ها شروع کنید. این یک چیزی است که جز از طریق خود طلبه‌ها و تشکیل کرسی‌های مباحثه و مناظره و همان نهضت آزادفکری و آزاداندیشی که عرض کردیم، ممکن نیست. این را عرف کنید در حوزه علمیه؛ در مجلات، در نوشته‌ها گفته شود. یک حرف فقهی یک نفر می‌زند، یک نفر رساله ای بنویسد در رد او؛ کسی او را قبول ندارد، رساله ای در رد او بنویسید. بنویسند، اشکال ندارد؛ با هم بحث علمی بکنند. بحث علمی به نظر من خوب است»^۱

حضور فعال روحانیت در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی

«روحانیون وظائف اجتماعی هم دارند. روحانیون بایستی در مسائل اجتماعی وارد شوند؛ منتها آن نکته‌ی اساسی این است که این ورود روحانی در مسائل اجتماعی باید ورود همراه با روحانیت باشد، نه با تحکم؛ اگر با تحکم شد، دیگر فایده‌ای ندارد. خصوصیت روحانی این است که با روحانیت، با اخلاق، با نصیحت، با ارائه‌ی راه، اطراف قضیه را آگاه کند، مشتاق کند، قانع کند، به یک کاری وادار شوند. اگر با تحکم شد، فایده‌ای ندارد. روحانی باید در مقام روحانی عمل کند. البته اگر شما رئیس جمهور شدید، در مقام رئیس جمهور یک وظیفه‌ی دیگری دارید، در مقام قاضی یک وظیفه‌ی دیگری دارید؛ اما در مقام روحانی، وظیفه این است که با زبان روحانیت و با زبان انبیاء با مردم حرف بزنید؛ با تحکم نباید باشد، با روحیه‌ی سیاسی کارانه نباید باشد»^۲

«اولاً حاشیه‌نشین شدن حوزه علمیه قم و هر حوزه علمیه دیگری به حذف شدن می‌انجامد. وارد جریان‌های اجتماع و سیاست و مسائل چالشی نبودن، به تدریج به حاشیه رفتن و فراموش شدن و منزوی شدن می‌انجامد. لذا روحانیت شیعه با کلیت خود، با قطع نظر از استثناهای فردی و مقطعی، همیشه در متن حوادث حضور داشته است. برای همین است که روحانیت شیعه از یک نفوذ و عمقی در جامعه برخوردار است که هیچ مجموعه‌ی روحانی دیگری در عالم - چه اسلامی و چه غیر اسلامی - از این عمق و از این نفوذ برخوردار نیست.

ثانیاً اگر روحانیت می‌خواست در حاشیه و در پیاده‌رو حرکت کند و منزوی شود، دین آسیب می‌دید. روحانیت سرباز دین است، خادم دین است، از خود منهای دین حیثیتی ندارد. اگر روحانیت از مسائل اساسی - که نمونه برجسته آن، انقلاب عظیم اسلامی است - کناره می‌گرفت و در مقابل آن بی‌تفاوت می‌ماند، بدون تردید دین آسیب می‌دید؛ و روحانیت هدفش حفظ دین است.

ثالثاً اگر حضور در صحنه موجب تحریک دشمنی‌هاست، این دشمنی‌ها در یک جمع‌بندی نهائی مایه خیر است. آن دشمنی‌هاست که غیرت‌ها و انگیزه‌ها را تحریک می‌کند و فرصت‌هائی برای موجود زنده می‌آفریند. هر جا به مجموعه روحانیت یا به دین یک خصومت‌ورزی و کین‌ورزی‌ای انجام گرفت، در مقابل، حرکتی سازنده از سوی بیداران و آگاهان انجام گرفت...

رابعاً با بی‌طرف ماندن روحانیت در مسائل چالشی اساسی، موجب نمی‌شود که دشمن روحانیت و دشمن دین هم بی‌طرف و ساکت بماند؛ «و من نام لم‌ینم عنه». اگر روحانیت شیعه در مقابل حوادث خصمانه‌ای که برای او پیش می‌آید، احساس مسئولیت

۱ - بیانات معظم له در دیدار جمعی از اساتید، فضلا، مبلغان و پژوهش‌گران حوزه‌های علمیه کشور، ۰۸/۰۹/۱۳۸۶

۲ - بیانات در جمع علمای شیعه و سنی کرمانشاه، ۲۰/۰۷/۱۳۹۰

نکند، وارد میدان نشود، ظرفیت خود را بروز ندهد، کار بزرگی را که بر عهده اوست، انجام ندهد، این موجب نمی‌شود که دشمن، دشمنی خود را متوقف کند؛ بعکس، هر وقت آنها در ما احساس ضعف کردند، جلو آمدند؛ هر وقت احساس انفعال کردند، به فعالیت خودشان افزودند و پیش آمدند...»^۱

«من همیشه به دانشجویها و طلبه‌ها می‌گویم، به شما هم عرض می‌کنم، و این به همه روحانیت مربوط می‌شود: باید سیاسی باشید؛ منتها نه به معنای ورود در باندها و جناح‌های سیاسی؛ نه به معنای ملعبه و آلت شدن این یا آن حزب یا گروه سیاسی، یا سیاست‌بازان حرفه‌ای؛ این مطلقاً مورد نظر نیست؛ بلکه به معنای آگاهی سیاسی، قدرت تحلیل سیاسی، داشتن قطب‌نمای سالم سیاسی که جهت را درست نشان بدهد. گاهی ما طلبه‌ها اشتباه می‌کنیم؛ قطب‌نمای ما درست کار نمی‌کند و جهت‌یابی سیاسی را درست نشان نمی‌دهد. این، چیزی نیست که به خودی خود و یک شبه به وجود بیاید؛ نه، این مزاولت در کار سیاست لازم دارد؛ باید با مسائل سیاسی آشنا شوید، حوادث سیاسی کشور را بدانید و حوادث سیاسی دنیا را بدانید. طلبه‌ها امروز به اینها نیاز دارند. یک گوشه‌ای نشستن، سرخود را پایین انداختن، به هیچ کار کشور و جامعه کاری نداشتن و از هیچ حادثه‌ای، پیش‌آمدی، اتفاق خوب یا بدی خبر نداشتن، انسان را از جریان دور می‌کند. ما مرجع مردم هم هستیم؛ یعنی مورد مراجعه‌ی مردمیم و اگر خدای نکرده یک علامت غلط نشان بدهیم، یا یک چیزی که مطلوب دشمن است بر زبان ما جاری بشود، ببینید چقدر خسارت وارد می‌کند. بنابراین، یک وظیفه‌ی مهمی که امروز ماها داریم، ارتباط با سیاست است. کناره‌گیری از سیاست درست نیست و کار روحانی شیعه نیست»^۲

«مراقب باشید که دسته‌بندی‌ها و جناح‌بندی‌های سیاسی در حوزه نفوذ و رشد نکند. جهت سیاسی طلاب، همان جهت سیاسی نظام و انقلاب است؛ همان جهت انقلاب را باید ان‌شاءالله در تبلیغات و در برخورد با مردم - قولاً و عملاً - پی‌بگیرید»^۳

لزوم مطالعه آثار شهید مطهری در حوزه

«من لازم می‌دانم و بارها هم این نکته را گفته‌ام که همه‌ی طلاب و همه‌ی اهل منبر، یک دور آثار آقای مطهری را بخوانند. مرحوم شهید مطهری (رضوان الله علیه) گرایش سلوکی و معنوی هم داشت؛ یک مقدار متأثر از مصاحبت و شاگردی امام، یک مقدار متأثر از مصاحبت و شاگردی مرحوم علامه‌ی طباطبایی، یک مقدار هم بعدها با بعضی از اهل دل و اهل حال مأنوس و آشنا شده بود. ایشان اهل گریه و تضرع و دعای نیمه شب بود؛ بنده از نزدیک اطلاع داشتم. در آثار ایشان این رشحه معنوی، توحیدی و سلوک کاملاً مشهود است. یکی از کارهای لازم در حوزه‌ها مطالعه آثار ایشان است. جوانان عزیز ما باید با آثار شهید مطهری آشنا شوند. اگر بنده می‌خواستم برنامه حوزه علمیه قم را بنویسم، بلاشک یکی از مواد برنامه را این می‌گذاشتم که کتاب‌های آقای مطهری خوانده شود، خلاصه‌نویسی شود و امتحان داده شود»^۴

۱ - بیانات رهبری در دیدار طلاب حوزه علمیه قم، ۲۹/۰۷/۱۳۸۹

۲ - بیانات رهبری در جمع روحانیون استان سمنان، ۱۷/۰۸/۱۳۸۵

۳ - سخنرانی در اجتماع طلاب و فضلالی حوزه‌ی علمیه قم، ۰۱/۱۲/۱۳۷۰

۴ - بیانات رهبری در دیدار علما و روحانیون استان همدان، ۱۵/۰۴/۱۳۸۳